

کشتار ۶۷ و پنهان ماندن ماهیت طبقاتی جنایات رژیم اسلامی

رضا مقدم - ۲۷ اوت ۲۰۱۶

خمینی با چند سطر، فرمان کشتار هزاران زندانی سیاسی را در تابستان ۶۷ صادر کرد. این زندانیان سیاسی از کشتارهای وسیع پس از سی خرداد ۶۰ جان بدر برده بودند، بسیاری با سپری شدن دوران محکومیت شان آزاد نشده بودند و بعضا حتی در بیدادگاههای رژیم اسلامی هنوز محاکمه نشده بودند. هیات مرگ، این آدمکشان بله قربان گو، اوامر خمینی را بدون چون و چرا اجرا کردند و دهها هزار نفر را در کمتر از دو ماه کشتند زیرا از نظر این جانیان از خمینی که نباید سند و مدرک خواست. منتظری در جلسه با هیات مرگ بر فقدان سند و مدرک جدید برای تجدید محاکمه زندانیان سیاسی و تغییر حکم آنها پافشاری دارد و آنرا باعث بی اعتباری دستگاه قضایی رژیم اسلامی می داند. از این طریق منتظری محاکمات چند دقیقه ای و اعدام های دسته جمعی خلخالی، حاکم شرع منصوب خمینی در ترکمن صحرا و کردستان را از پرونده جنایات رژیم اسلامی حذف می کند. کشتار بدون محاکمه زندانیان سیاسی پس از سی خرداد شصت که رژیم اسلامی بعضا حتی نامشان را نمی دانستند، از سابقه دستگاه آدمکش قضایی کنار میزند. مباحث حقوقی و مذهبی منتظری با هیات مرگ منصوب خمینی اگر چه یک سند مهم از کشتار زندانیان سیاسی تابستان ۶۷ است اما در عین حال محاکمات مخالفان سیاسی رژیم اسلامی تا قبل از کشتار تابستان ۶۷ را عملا از پرونده جنایات رژیم اسلامی کنار می گذارد. منتظری در این جلسه بر صلاحیت قضایی اعضای هیات مرگ صحه می گذارد که حداقل دو نفر از آنها، یعنی نیری و پور محمدی از همان بدو به قدرت رسیدن رژیم اسلامی بعنوان حاکم شرع هزاران نفر را به مرگ محکوم کرده بودند. پور محمدی در زمان انقلاب ۱۹ سال و نیری ۲۲ سال داشتند اما چون آخوند بودند با همین سن و سال حاکم شرع شدند و درباره زندگی و مرگ مردم ایران تصمیم گرفتند.

بازتاب وسیع انتشار مباحث جلسه منتظری با هیات مرگ خمینی نزد نسل جوان ایران که تجربه مستقیم خشونت رژیم اسلامی در سرکوب شدید اعتراضات سال ۸۸ را دارد، راه تحلیل و برداشت اصولی و صحیح از علل همه کشتارهای رژیم اسلامی از سال ۵۷ تاکنون را باز می کند. تاکید بر کشتار سال ۶۷ نباید پایان یابد و در عین حال این کشتار نباید به همان سرنوشت قتلهای سیاسی و زنجیره ای دوره خاتمی دچار شود. خاتمی به کمک مجموعه نظام اسلامی ترور صدها مخالف رژیم اسلامی به دست آدمکشان وزارت اطلاعات را به داریوش فروهر، پروانه اسکندری، محمد مختاری و محمد جعفر پوینده تقلیل داد. کشتار تابستان ۶۷ تنها بخشی از مجموعه بزرگتری از کشتن مردم ایران توسط کل رژیم اسلامی با تمام جناحها و باند های درونی آن است.

منتظری صریحا احمد خمینی را افشا می کند که از سالها قبل بدنبال کشتن مجاهدین بوده و عملیات فروغ جاویدان را بهانه کرده است. رژیم اسلامی از بدو به قدرت رسیدنش حقوق زنان را پایمال کرده، روزنامه ها را بسته، فعالیت احزاب سیاسی را ممنوع کرده، شوراها کارگری را از بین برده و مخالفین خود را با شدت تمام دستگیر، شکنجه و اعدام کرده و طبعا برای هر مورد هم یک بهانه تراشیده است. اما دلیل اصلی و بنیادی همه کشتار ها، شکنجه ها و خشونت های رژیم اسلامی علیه مردم ایران اعمال می کند به تصمیم کنفرانس هفت کشور بزرگ صنعتی در سال ۵۷ در گوادولوپ بر می گردد. در شرایطی که ساواک، ارتش و پلیس شاه از سرکوب انقلاب آزادیخواهان مردم ایران برای رفاه و آزادی که با یکی از بزرگترین اعتصابات کارگری قرن بیستم توأم بود، عاجز شدند قدرتهای بزرگ در گوادولوپ تصمیم گرفتند قدرت را به شاخه مذهبی اپوزیسیون واگذار کنند. هدف این بود که رژیم شاه عوض شود اما شرایط ایران از نظر آزادیهای سیاسی تغییر نکند و همچنان یک رژیم دیکتاتوری بر ایران حاکم باشد. یعنی مردم ایران آزادی سیاسی، کارگران تشکل و زنان حقوقی نداشته باشند تا منافع صاحبان صنایع و سرمایه تامین شود. بدون این

کشتارها، بدون انحلال همه شوراهای کارگری و بدون اخراج، دستگیری و شکنجه و اعدام فعالین کارگری، رژیم اسلامی قادر نبود یک قانون کار فاقد حق تشکل و اعتصاب به کارگران ایران تحمیل کند. خاتمی و مجلس ششم اصلاح طلب قادر نبودند کلیه کارگران صنعت قالی بافی و کل کارگران کارگاههای زیر ده کارگر را از شمول قانون کار خارج کنند، قراردادهای موقت و سفید امضا را رواج دهند و به مرور کل رژیم اسلامی یک حداقل دستمزد یک سوم خط فقر را به دهها میلیون کارگر ایران تحمیل کنند. سران هفت کشور بزرگ صنعتی در کنفرانس گوادولوپ ظرفیت وحشتناک اپوزیسیون مذهبی در کشتار مردم ایران و برقراری اختناق و دیکتاتوری پس از سقوط شاه را تشخیص دادند و کمک کردند تا خمینی قدرت بگیرد. ارتش را که بزرگترین پشتوانه قدرت شاه بود توسط ژنرال هایزر، فرمانده وقت پیمان ناتو در اروپا، وادار کردند که دست از حمایت شاه بکشد و تسلیم خمینی شود. در گوادولوپ تصمیم گرفتند این هیولای آدمکش را به جان انقلاب و مردم ایران بیاندازند. هیولایی که در برقراری اختناق، دیکتاتوری و کشتار مردم ایران بهانه کم نداشته است.

به نقل از به پیش، نشریه اتحاد سوسیالیستی کارگری، شماره ۹۰، نهم شهریور ۱۳۹۵، ۳۰ اوت ۲۰۱۶